یکی از مطلعین با بیان این که □□ □□□□□ □□□□ □□□□□ □□□□□ □□□□□□ گفته به ما می‌گفتند□□□□□□ □□□ □□□□□ □□□□ □ □□□□□□ □□□ □□□□ □□□□ □□□ □□□□.

دادخواست ۴۲ نفر از اعضای سابق مجاهدین خلق؛

دومین جلسه دادگاه رسیدگی به دادخواست ۴۲ نفر از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق برگزار شد.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از میزان،□□□□□□□ □□□□یکی دیگر از خواهان این پرونده گفت:

برای پیدا کردن کار در سال ۸۱ به ترکیه رفتم که توسط اعضای فرقه رجوی ربوده شدم. آن‌ها بعد از حمله امریکا به عراق و سرنگونی دولت عراق در کوهستان سرگردان بودند. دو نوبت مرا زندانی کردند؛ چند بار اعتراض کردم و مرا به زندان انداختند و شکنجه کردند. در این مدت فشارهای روحی و جسمی بر من وارد شد و بیش از سه ماه در زندان منافقین زندانی بودم و در شرایط کنونی نیز از این آسیب‌ها رنج می برم و از دادگاه تقاضای محکومیت سرکردگان فرقه رجوی را دارم. من اواخر سال ۸۳ به کشور بازگشتم، زمانی که رفتم متاهل بودم و دو فرزند داشتم.

□□□□ □□□□□ یکی دیگر از خواهان پرونده گفت:

از اینکه این فرصت به من داده شد تا از حقوق خود دفاع کنم از دادگاه سپاسگزارم. طی چهار سال که در گروهک بودم آسیب‌های فراوانی به من وارد شد. مرا فریب دادند و از ترکیه و به طور غیرقانونی به عراق بردند. ناخن های پاهای مرا بدون بی حس کردن کشیدند و مرا مجبور می کردند در کارهای نظامی، خدماتی و تشکیلاتی شرکت کنم و همین کار موجب عفونت پاهایم شد. مرا فریب دادند که در آلمان به من کار می دهند و من اصلا دنبال این موضوعات نبودم. می گفتند مرا می کشند و در حیاط دفن می کنند و از من به عنوان شهید خود یاد می کنند، من گفتم برای مبارزه نیامدم. به علت اعتراض به رفتارهای آن‌ها توسط صمد امیری در زندان به مدت یک ماه و نیم بازداشت شدم. در نهایت پس از بازگشت به ایران و عدم مداوای پاهایم هر دو پایم از مچ قطع شد. محمدجواد اسدی و حسین ولی‌پور دو نفر از شاهدان من هستند که البته یکی از آن‌ها به ایران نیامد.

□□□□□□□□ □□□□بیان کرد:

من سه سال و نیم در اسارت فرقه منافقین و چهار سال در اسارت امریکا بودم و شاهد بودم که به دلیل کار زیاد ناخن های چپچاپ را کشیدند. همه افراد برای کار آمده بودند و متفق القول سر همه ما کلاه گذاشتند. زمانی که در اشرف به ما لباس نظامی دادند، ما گفتیم ما برای جنگ نیامدیم. حرف اصلی آن‌ها زمانی که می‌گفتیم نمی‌مانیم، این بود که ورود ما به عراق غیرقانونی است و ۱۵ تا ۲۰ سال زندان دارد. بعد از حمله عراقی ها موفق شدیم به سمت کمپ امریکایی ها فرار کنیم اما آن ها دستشان با منافقین در یک کاسه بود و چهار سال و نیم در کمپ امریکایی‌ها بودیم. من یک ماه بود که ازدواج کرده بودم و در اواخر دی ماه ۸۰ وارد گروهک شدم و تابستان ۸۳ از آنجا فرار کردم و از دادگاه خواستار محکومیت فرقه رجوی هستم.

□□□ □□ □□□□□□□یکی دیگر از خواهان پرونده گفت:

به عنوان سرباز وظیفه به جبهه اعزام شدم و پس از برخورد گلوله و ترکش اسیر منافقین شدم. در سه ماه اول اسارت مرا

در یک قفس نگه می داشتند و می گفتند باید به خواسته های آن‌ها عمل کنیم. مدت ۱۷ سال در آنجا محبوس بودیم. از شدت فشارها آقای خدام گلمحمدی روی خود نفت ریخت و خود را آتش زد اما زنده ماند ولی او را جایی بردند که دیگر ندیدم و حجت عزیزی و کریم پدرام با گلوله به خود شلیک کردند و فردی به نام رسول که دو چشم او نابینا بود با ریختن نفت خودش را آتش زد. سه گلوله به دست من و یک ترکش توسط فرقه رجوی به من برخورد کرد.

□□□□ □□□□□یکی دیگر از خواهان گفت:

پس از اینکه در جنگ اسیر عراقی‌ها شدم در آنجا با شستشوی مغزی وارد گروهک شدم و ۱۷ سال در فرقه بودم. در جریان حمله امریکا به کویت به مدت ٤٥ روز در بیابان‌ها پراکنده بودیم و با روزی ۵ عدد خرما سپری کردیم. روی بازویم یک خالکوبی به اسم مادرم داشتم که گفتند باید سوزانده شود و با هویه برقی سوزاندند چون با خانواده شدیدا مشکل داشتند. الیاس کرمی در پی شدت فشارها در حمام شاهرگ خود را زد و مرد. ۱۷ سال از بهترین دوران عمرم را به بدترین شکل از دست دادم که باعث و بانی آن گروهک و این فرقه نامشروع بود. فرقه منافقین آبروی مرد، آزادی خواهی و انقلابی را در دنیا برده‌اند و از مجامع حقوق بشری می‌خواهم که این‌ها را پای میز محاکمه بکشند. از دولت و قوه قضاییه تشکر دارم که چنین امکانی را خلق کردند تا بتوانیم حرف‌های خود را به گوش دنیا برسانیم. از دولت و وزارت خارجه خواهش می کنم ما را در این پرونده یاری کنند تا بتوانیم به حقوق از دست رفته خود برسیم.

□□□□ □□□□□یکی از مطلعین گفت:

نزدیک به ۲۰ سال در مناسبات گروهک بودم و سال ۸۳ فرار کردم. آمده ام شهادت دهم همه مطالبی که عنوان شد کاملا دقیق و درست است و مسئول خیلی از بچه ها در پذیرش بودم. زمانی که در مناسبات فرقه پا گذاشتیم همه چیزهایی که در ذهن خود بافته بودیم از بین رفت و اجازه یکبار تماس تلفنی من با خانواده‌ام را ندادند. در ترورها فقط کشتن و ریختن خون مردم ایران مهم بود. در راهپیمایی ۲۲ بهمن قرار بود عملیات انجام دهم که خوشبختانه نشد. آیا از کادر سرکردگان منافقین پرسیدید که چطور مریم رجوی همسر مسعود رجوی شد مگر مخالف خانواده نبودند؟ در مناسبات فرقه‌ای افراد پایین نمی‌توانند سوال کنند و مواردی خط قرمز محسوب می‌شد و حق سوال نداشتیم و ما صرفا اجراکننده دستورات بودیم. من در عملیات مرصاد زخمی شدم و برای این فرقه زخمی شدم اما حاضر نشدند زمانی که به کمپ امریکایی‌ها رفتم لباس‌هایم را به من بدهند.

□□□□ □□□□□از مطلعین گفت:

من ۲۰ سال تا سال ۸۳ در این فرقه بودم. این فرقه ما را از عزیزانمان جدا کرد و ارتباط با خانواده را ممنوع کرد. یکی از راهکارهای آن‌ها این است که افراد را مجبور می‌کردند افکار درونی خود را نیز بگویند. رجوی برای اینکه شکست در عملیات مرصاد را گردن اعضا بیندازد، انقلاب طلاق راه انداخت. خیلی از افراد در این سیستم خروج ممنوع، اقدام به خودکشی کردند. سال ۸۰ رجوی گفت هر کس می‌خواهد برود باید چهار شرط را بپذیرد. شرط اول این بود که جلوی افراد بگوییم مشکل جنسی داریم و شرط دوم این بود که ما را تحویل دولت عراق می دادند و دو سال هم در زندان های سازمان بمانیم و سپس ما را به ایران بفرستند. یکی از افراد خدام گلمحمدی بود که دست به خودسوزی زد و خود را آتش زد و زنده ماند اما معلوم نیست چه بلایی سر او آوردند. به ما می‌گفتند خونمان مال مسعود رجوی است یعنی تعیین می‌کند چگونه می‌میریم و نفس‌مان مال مریم رجوی است یعنی تعیین می‌کند در روزها چه کنیم و به عنوان برده محسوب می‌شدیم. حاضرم شهادت دهم که این فرقه چه شکنجه‌ها و بلاهایی سر اعضا و خانواده اعضا آورد.

□□□□□ □□□□□□یکی دیگر از خواهان گفت:

سال ٦٧ به دست نیروهای عراقی اسیر شدم و در اسارت فرقه رجوی درآمدم. پس از ورود به اردوگاه اشرف از یک اسارت موقت به یک اسارت دائم رفتم. من از تمامی حقوق‌های انسانی محروم شدم. در طول ۱۷ سال از اسارت از نعمت های خداوند محروم شدم. تمامی احساسات و غرایض طبیعی انسانی را از ما سلب کردند. انتخاب همسر برای بقای نسل از نعمت های خداوند است که با دستور مستقیم مسعود رجوی حق فکر کردن به هیچ زنی را نداشتیم. دختران زیر ۱۸ سال را به مردانی که سن آن‌ها ۳۵ تا ٤٠ سال بود می‌دادند. باید در نشست های روزانه و غسل هفتگی به تفکرات خود پاسخ می دادیم. سال ٦٨ تمامی زنان با دستور مستقیم مسعود رجوی از همسران خود جدا شدند و بچه‌های آن ها را نیز از آن ها جدا کردند. رجوی رواج نسل کشی انجام داد از این بابت از دادگاه های بین‌المللی خواهان صدور حکم هستم و از این دادگاه بابت این فرصت تشکر می‌کنم.

□□□□□□□ □□□□□یکی دیگر از خواهان پرونده بیان کرد:

سال ٦٦ در منطقه عملیاتی به عنوان سرباز وظیفه بودم و در درگیری شدید با منافقین اسیر شدیم و به اسارت درآمدم و ۱۷ سال در اردوگاه اشرف بودم. بعد از آن به من گفتند همه اعضای خانواده من مرده‌اند اما متوجه شدم زنده‌اند. ما فرار کردیم و به ایران آمدیم. به ما می‌گفتند که به ایران بروید اعدام می‌شوید اما این طور نبود. در سلیمانیه فردی که می‌خواست فرار کند را به ماشین بستند و روی زمین کشیدند. در کرکوک افرادی که نمی‌خواستند جذب سازمان شوند را در آبجوش می‌انداختند و از من نیز می‌خواستند خواهرم را که به آن‌ها فحش داده بود بزنم اما چون این کار را نکردم یک هفته زندان بودم و کتک خوردم.

□□□□□□ □□□□□□□یکی دیگر از شهود این پرونده گفت:

مدت ۲۷ سال در فرقه رجوی گرفتار بودم و در جبهه جنگ در تهاجم نیروهای عراقی به اسارت درآمدم و مدت سه و نیم سال در اردوگاه اسرا بودم و بعد از آن به اردوگاه اشرف رفتم. از چاله اسارت در چاه فرقه رجوی گرفتار شدم و در نهایت شهریور سال ۹۵ از تشکیلات گروهک جدا شدم و به آلمان رفتم و بعد از آن تصمیم گرفتم به ایران بیایم. تمامی صحبت‌های مطرح شده در دادگاه درست بوده و حاضر هستم در تمامی دادگاه‌ها شهادت دهم. میانگین سنی افراد ۵۰ تا ۵۵ سال در اردوگاه آلبانی است و حدود دو هزار نفر هستند. من در سال ۹۵ وارد آلبانی شدم و شهریور ۹۵ از فرقه جدا شدم. امیدوارم این دادگاه به اینجا ختم نشود و در عرصه بین‌الملل به محکومیت فرقه رجوی کشیده شود؛ شنیده بودم بسیار از دادگاه‌های بین‌المللی هراس دارد.

□□□□□□□ □□□یکی دیگر از مطلعین عنوان کرد:

حدود ۲٤ سال در تشکیلات گروهک بودم. من به عنوان زندانبان آنجا بودم و شاهد بودم که افراد را چه شکنجه‌هایی می‌کردند و حرف‌های دوستان را تایید می‌کنم. فشار روحی بسیار سنگین‌تر از فشار جسمی بود. خاطرم هست یکی از افراد به دلیل فشارها خودزنی کرد و اگر امکانش باشد حاضر هستم در هر مجمع بین‌المللی صحبت کنم و شهادت دهم.

□□ □□□□ □□ □□□ □□ □□□□□□ □□ □□ □□□□□□ □□ □□□□□□ □□□□□□ □□□ □□□:

□□□ □□□□ □□□□□□ □ □□□□ □□ □□□□□ □ □□ □□□ □□□□ □□□□□ □□□□□ □□□□□□□ □□□□□.

□□□ □□□□□□از خواهان دیگر این پرونده گفت:

در شرایطی که دو سال بیشتر نداشتم پدرم ما را رها مرد و جذب فرقه شد و همانند همه اعضایی که اینجا هستند تحت تاثیر منفی کذاب این فرقه قرار گرفت. در طول چهل سال تلاش‌های متعددی از سوی من برای دیدار یا صحبت تلفنی صورت گرفت اما بی‌نتیجه ماند. من به عنوان کسی که در دوران کودکی پدرم را از دست دادم و حتی صدای او را نشنیدم، سوالم از مجامع حقوق بشری این است چرا به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند و با آن‌ها برخورد نمی‌کنند. تنها یادگار من از پدرم یک قاب عکس دردناک است و چهره بهت زده مادرم نشان از آواری داشت که سر ما خراب می شد. خلق من هستم که صدای پدرم را نشنیده؛ در جلسه دیروز برخی گفتند که نتوانستند با فرزندان خود ارتباط برقرار کنند اما من هیچ وقت پدرم را لمس نکردم. از قوه قضاییه تشکر فراوان دارم که شرایطی را فراهم آورد در یکجا صدای خود را به گوش مجامع بین الملل برسانیم تا شاید روزی بتوانم دور از قاب عکس چهره پدر را ببینیم.

□□□□ □□□□□□□□□در این بخش از جلسه دادگاه عنوان کرد:

دادخواستی که مطرح شد از نظر قوه قضاییه و دادگاه آغاز راه است. این راه قطعا به این پرونده ختم نخواهد شد؛ درب دادگستری و شعبه ۵۵ بین‌الملل قوه قضاییه باز است تا نه تنها افرادی که عضو این گروهک بودند بلکه همه افرادی که از این گروهک خسارات فراوانی به آن‌ها وارد شده دادخواست خود را مطرح کنند. ما می دانیم که ۱۷ هزار نفر از مردم ما حداقل به صورت مستقیم از قربانیان ترور هستند و کشته و شهید شدند و از زنان و کودکان تا پیر و جوان قربانی اقدامات فرقه تروریستی مریم و مسعود رجوی و گروهک منافقین شده اند. این حق برای همه و برای همه مردم کشورمان است تا دعاوی خود را مطرح کنند تا رسیدگی شود. بیش از ۳۵ سال است که از اقدامات فرقه رجوی که مستقیما علیه مردم کشورمان دست به اسلحه بردند می گذرد و هر چقدر این فاصله بیشتر شود ممکن است نسل های جدید اقدامات جنایتکارانه آن‌ها را فراموش کنند. گذر زمان هم ادله را تحت تاثیر قرار می دهد و هم آدم ها را فرسوده می‌کند. در دادگاه افرادی از طیف های مختلف صحبت کردند که شاهد اقدامات جنایتکارانه گروهک منافقین بودند. صحبت های چنین افرادی برای دادگاه ها بسیار راهگشا خواهد بود. افرادی که اکنون در آلبانی و فرانسه هستند به نوعی اسیر منافقین هستند و کماکان درب های این کشور به روی همه باز است اما اگر اقدامات جنایتکارانه و کیفری انجام داده اند موضوع علی‌حده‌ای است. ما در این دادگاه در چارچوب قوانین و مقررات رسیدگی قاطعانه ای انجام خواهیم داد و حکم در اسرع وقت صادر خواهد شد اما انتظاری که از سازمان های بین المللی مدعی حقوق بشر می شود این است که در پرونده فرقه رجوی، حداقل در دسته اول افرادی که اکنون در آلبانی هستند به داد آن ها برسند. این شروع کار خواهد بود و آخر آن به نابودی فرقه تروریستی منافقین می‌انجامد و منجر به آزادی افرادی می شود که در بند آن ها هستند. فرقه‌هایی همچون فرقه منافقین به جز اسارت و بهره کشی هیچ دستاوردی برای بشریت ندارند. ما دعاوی که مطرح می شود را مورد رسیدگی قرار می دهیم و دادگاه ادامه پیدا خواهد کرد.

برچسب ها: تاریخ [1]
انقلاب [2]
تروریسم [3]
قوه قضاییه [4]